



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۶/۰۴



ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

دیگر چه بنویسم

اگر چه گردانندگان فیسبوک، به ذوق خود هر روز مطلبی از من در صفحه به نشر می سپارند، اما خود، مدتی است باوجود وقایع دردناک روزمره در سراسر وطن، موضوع تازه ای تقدیم علاقمندان نکرده ام. دوست محترمی، سرزنش کنان مرا متوجه این کوتاهی و سهل انگاری ساخت. من نیز ارتجلاً این سروده را تهیه کردم که از نظر تان میگذرد:



نوشتم بارها وصف وطن، دیگر چه بنویسم

زاوضاع نوین، عهد کهن، دیگر چه بنویسم

مکرر گفتم و بنوشتم از نیک و بد میهن

سخن تکرار شد با صد محن، دیگر چه بنویسم

ز «محمود» و ز «احمد شاه» و «میرویس» و «امان الله»

که هریک بود چون جان در بدن، دیگر چه بنویسم

نوشتم اینکه بعد از کودتای خانه ویرانکن

وطن شد تا گلو غرق لجن، دیگر چه بنویسم

ز هفت ثور، بنیاد نظام ملک ویران شد

به قید و بند و زنجیر و رسن، دیگر چه بنویسم

هجوم لشکر بیگانه مردم را فراری کرد

جوان و پیر، طفل و مرد و زن، دیگر چه بنویسم

نوشتم همت مردان حق، کاخ ستم بشکست

که میخواند خویشتن را تهمتن، دیگر چه بنویسم

به هشت ثور، تنظیم جهادی، نظم برهم زد
زخود خواهی و جنگ تن به تن دیگرچه بنویسم
نوشتم این جهان در پنبه یک قدرت افتاده
که می گوید ز آقائی سخن، دیگرچه بنویسم
نوشتم درد درمان نا پذیر سرزمین خود
شعار قومیت از هر دهن، دیگرچه بنویسم
نوشتم داستان ها از سقوط وحدت ملی
ز تاراج خزان اندر چمن دیگرچه بنویسم
نوشتم، طالب و حقانی و داعش به حکم غیر
چه آوردند جز گور و کفن، دیگرچه بنویسم
نوشتم اینکه دلها همچو سنگ و دیده ها کوراست
همه با همدگر در مکرو فن، دیگرچه بنویسم
نوشتم از نصاب زندگانی های نا موزون
بگویند ای نوا سنجان به من، دیگرچه بنویسم
نوشتم، هی نوشتم، قصه ها تکرار بنوشتم
ازین بهترمگر، یا ذوالمنن دیگرچه بنویسم
نوشتم از «اسیر» رنج و غم در گوشه غربت
که می نالد به سودای وطن، دیگرچه بنویسم



م. نسیم «اسیر» ۱۹ می ۱۸ع، فرانکفورت